

تحلیل محتوای گزاره‌های دینی ناظر به محورهای نظریات کجروی (بزه‌دیدگی)

عبدالهادی صالحی‌زاده*

چکیده

یافته‌های نوین مطالعات کجروی، نقش‌آفرینی بزه‌دیده را در پدید آوردن کجروی و کنترل آن، موجه می‌دانند. رفتار بزه‌دیده، نوع تعامل او با دیگران، شیوه زندگی و دیگر متغیرهای خرد، میان‌برد و کلان مرتبط با آن، آثاری مثبت یا منفی در ایجاد تمایل و انگیزه کجروی و بزه‌دیدگی یا مهیا ساختن فرصت و زمینه وقوع آن دارند.

این مقاله به اجمال به تبیین‌های بزه‌دیده شناختی، به تحلیل ابعاد خرد، میان‌برد و کلان نقش‌آفرینی بزه‌دیده در وقوع کجروی و بزه‌دیدگی، به هدف بررسی دیدگاه‌های قرآن و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام در این زمینه می‌پردازد. این پژوهش با تحلیل محتوای آیات و روایات، و با نمایاندن ملاحظات خاص گزاره‌های دینی پیرامون متغیرهای خرد، میان‌برد و کلان مؤثر در بزه‌دیدگی افراد، به دنبال رویکرد دینی در باب انحرافات از منظر بزه‌دیده‌شناسی است. یافته‌ها حاکی از این هستند که متون اسلامی، رویکرد بزه‌دیده‌شناختی را به عنوان یکی از چشم‌اندازهای مؤثر در تبیین کجروی و بزه‌دیدگی به کار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: کجروی، بزه‌دیده (آماج بزه)، بزه‌دیده‌شناسی، تبیین‌های خرد، میان‌برد، کلان، فرصت جرم.

مقدمه

گرفته «تحلیل محتوا»ی «توصیفی» و «کیفی» است. مقوله‌های تحلیل نیز «موضوعی» (ناظر به محتوای پیام‌های گزاره‌های دینی) اند.

سؤال اصلی تحقیق حاضر این است که آیا دین مبین اسلام در آموزه‌های خود به محورهای نظریات بزه‌دیده‌شناسی توجه داشته است یا نه؟

سؤال‌های فرعی این تحقیق نیز عبارتند از: ۱. متغیرهای بزه‌دیده‌شناختی در متون دینی چگونه مورد تأکید قرار گرفته‌اند و سازوکارهای تبیینی جرم با توجه به آن متغیرها چگونه بیان شده است؟

تاکنون تلاش نظری سامان‌مندی برای شناسایی دیدگاه‌های اسلام دربارهٔ نقشی که متغیرهای مربوط به بزه‌دیده در شکل‌گیری رفتارهای کجروانه دارند، انجام نگرفته است. نوپدید بودن تبیین‌های بزه‌دیده‌شناختی بر اهمیت این بُعد از نوآوری می‌افزاید.

مطالعات اولیه، نشان می‌دهد که نقش‌آفرینی بزه‌دیده در وقوع کجروی و بزه‌دیدگی خود و در کنار آن، امکان مسئول شمردن او در ازای آن، در بسیاری از آیات و روایات به روشنی و تفصیل مورد توجه قرار گرفته است و یکی از ویژگی‌های نظام کنترل اجتماعی اسلام به شمار می‌آید. این تحقیق به سبب محدودیت مجال و با رعایت اختصار، به بررسی دیدگاه‌های موجود در منابع اسلامی دربارهٔ برخی از محورهای تبیینی این نظریه‌ها پرداخته است.

چارچوب نظری

وجود جرم و کجروی و زیرپا نهادن قوانین و نظم عمومی در جامعه توسط برخی افراد و گروه‌ها، تهدیدی همیشگی و غیرقابل تحمل برای افراد جامعه و نظم حاکم بوده و هست. در طول دوران زندگی بشر، همیشه سازوکارهای

حیات علمی رشته «بزه‌دیده‌شناسی» پس از سالیان دراز که از خردورزی‌های محققان پیرامون شناخت علل کجروی و راه‌های کنترل آن می‌گذرد، در خلال چند دههٔ اخیر و با تلاش‌های محققان در این باره آغاز شده است که کجروی و بزه‌دیدگی ناشی از آن را با ارجاع به متغیرهای خرد، میان برد و کلان مرتبط با آماج‌های کجروی و بزه‌دیدگان تبیین کنند. تبیین‌های بزه‌دیده‌شناختی کجروی، حرکتی جدید و بسیار نوپا در جهت نشان دادن این واقعیت‌اند که بزه‌دیده صرفاً یک آماج منفعل جرم نیست تا بتوان گفت صرفاً در نقطهٔ وقوع یک رفتار کجروانه قرار گرفته، و نقشی در مهیا ساختن زمینهٔ وقوع آن ایفا نکرده است.

یافته‌های نوین مطالعات کجروی، نقش‌آفرینی بزه‌دیده را در پدید آوردن کجروی و کنترل آن، موجه می‌دانند. نتایج، حاکی از آن است که رفتار بزه‌دیده، نوع تعامل او با دیگران، شیوهٔ زندگی و دیگر متغیرهای خرد، میان برد و کلان مرتبط با او، آثاری مثبت یا منفی در ایجاد تمایل و انگیزه کجروی و بزه‌دیدگی یا مهیا ساختن فرصت و زمینهٔ وقوع آن دارند. این رویکرد جدید، سبب شده است تا در مطالعات کجروی و تدوین راهبردها و سیاست‌های کنترل اجتماعی، بزه‌دیده نیز همانند کجرو، مسئله‌ای مهم و عمده باشد.

با توجه با اینکه دین مبین اسلام، رسالت خود را زدودن انحراف از عرصه‌های فردی و اجتماعی حیات انسان می‌داند و تبیین‌ها و راهکارهای کنترلی آن بر شناخت دقیق و فراگیر علل آسیب‌های فردی و اجتماعی استوار است، بازخوانی آموزه‌های اسلامی با هدف یافتن دیدگاه‌های تبیینی و کنترلی کجروی آن می‌تواند تأثیر بسزایی در شناخت جایگاه اسلام در قلمرو بومی تبیین و کنترل کجروی داشته باشد. روشی که این تحقیق به کار

بزه‌دیدگی‌شناختی، گونه‌های مختلف این نقش‌آفرینی را تحلیل می‌کنند و از این رهگذر، سهم بزه‌دیده در ایجاد پدیده مجرمانه را مشخص می‌نمایند.

نظریه‌های بزه‌دیدگی‌شناختی، متغیرهای خرد، میان برد و کلان و عوامل و بسترهای به وجود آمده توسط بزه‌دیده را مورد مطالعه قرار می‌دهند. متغیرهای خرد، ویژگی‌های زیستی و روانی، و متغیرهای میان برد، رفتارهایی هستند که احتمال بزه‌دیدگی فرد و فرصت‌های بزه‌دیدگی را افزایش می‌دهند. متغیرهای کلان، آن دسته از شرایط ساختاری و اجتماعی‌اند که گروه‌ها و خانواده‌ها را در معرض بزه‌دیدگی از جرم قرار می‌دهند، به گونه‌ای که برحسب پراکندگی و اختلاف آن شرایط، میزان، کیفیت و فرصت‌های وقوع بزه‌دیدگی، متفاوت می‌شود. شایان ذکر است که این عناصر گاه مکمل هم بوده و گاه با یکدیگر هم‌پوشانی دارند. اما آنچه مهم است تفاوت آنها در نحوه تبیین نقش بزه‌دیده است.

از جمله آثار این نظریات در عرصه کنترل جرم، مسئولیت مدنی و حتی کیفری بزه‌دیده است که با اثبات اینکه فرد، نقش مؤثری در بزه‌دیدگی خویش داشته است، بخشی از تقصیر و مسئولیت متوجه خود او می‌شود. از جمله آثار کنترلی دیگر، راهبرد پیش‌گیری بزه‌دیده‌محور است که پیش‌گیری از جرم را با راه کار حفاظت از آماج‌های بالقوه بزه، ممکن می‌داند. کاربرد مؤثر این نظریات در پیش‌گیری از جرم، بخصوص در مهار متغیرهای زیستی - روانی و رفتارهای غیرآگاهانه بزه‌دیده که بیشترین فرصت وقوع جرم را به وجود می‌آورند، نیز شایان ذکر است که سیاست‌های پیشگیرانه دستگاه‌های قضایی می‌توانند بر داده‌های این‌گونه نظریات و آزمون‌ها مبتنی باشند. در این تلاش، سعی می‌شود متغیرهای مهمی که این نظریه‌ها آنها را در تبیین بزه‌دیدگی به کار گرفته‌اند، بررسی شود.

کنترلی مختلف و متعددی برای مهار کردن کجروی‌ها در جوامع طراحی شده است. اندیشمندان اجتماعی برای کنترل بهتر و همچنین پیشگیری از وقوع انحراف و جرم، آن را به عنوان یک پدیده اجتماعی، مورد مطالعه و تحلیل قرار داده‌اند. در همین زمینه، این اندیشمندان به خاطر درک بهتر این پدیده سعی در تحلیل و تبیین دقیق‌تر و فراگیرتر آن داشته‌اند تا از این رهگذر به راه‌های بهتر و کارآمدتری برای مقابله و کنترل آن دست یابند.

قریب سه دهه پیش، عده‌ای از جرم‌شناسان، پژوهش‌های خود را بر کنشگر دیگر بزه کاری، یعنی بزه‌دیده، متمرکز کردند تا سهم عناصری مانند شخصیت، منش، رفتار و... وی را در تکوین جرم و وقوع بزه‌دیدگی برآورد نمایند. این رویکرد جدید به جرم، به نوبه خود تحولات عمیقی را در علت‌شناسی این پدیده ایجاد نمود که حاصل آن تولد رشته جدیدی به نام «بزه‌دیدگی‌شناسی» است.^(۱) بزه‌دیدگی‌شناسی یا مجنی‌علیه‌شناسی، شاخه جدیدی از جرم‌شناسی است که به بررسی قربانیان جرم می‌پردازد. شناخت بزه‌دیده و آنچه به او مربوط می‌شود، موضوع این دانش نوین است. در این دانش، شخصیت، صفات زیستی، روانی، اخلاقی، و خصوصیات اجتماعی و فرهنگی بزه‌دیده و سهم او در تکوین جرم و رابطه‌اش با مجرم، بررسی می‌شود.^(۲)

آنچه در تبیین‌های بزه‌دیدگی‌شناختی مورد تأکید است، رابطه متقابل بین بزه کار و بزه‌دیده و همچنین مطالعه طرفین جرم بخصوص بزه‌دیده است که با بررسی رفتارها، خصوصیات، سبک زندگی و ساختارهای اجتماعی پیرامون او، تأثیرش در وقوع جرم و بزه‌دیدگی را اندازه‌گیری می‌کنند. یافته‌های نظری و تجربی این حوزه، حاکی از نقش‌آفرینی مؤثر بزه‌دیده در شکل‌گیری پدیده مجرمانه و وقوع بزه‌دیدگی است. تبیین‌های

آسیب‌زایی بزه‌دیده

سالخوردگان از زمره این افراد به شمار می‌روند و نیروی بدنی آنان به اندازه‌ای نیست که بتوانند از خود دفاع کنند.^(۳)

در ذیل، به برخی از این ویژگی‌ها اشاره می‌شود:

الف. سن: نویسندگان کتاب **بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی** با بیان چند گزارش، این ویژگی را به مثابه متغیری که استعداد بزه‌دیدگی را بالا می‌برد، به تصویر کشیده‌اند. در بخشی از کتاب که به بدرفتاری علیه کودکان و میزان بالای خشونت و سوءاستفاده از کودکان در فرانسه می‌پردازد، خون‌ریزی مغزی را یکی از آثار بدرفتاری با کودکان و اولین عامل مرگ و میر آنان معرفی می‌کند و این شاخص را حاکی از شرایط سنی این قشر و ناتوانی آنان در دفاع از خود می‌داند.^(۴)

آنان همچنین سالمندان را به واسطه ضعف روانی و انزوای اجتماعی، آماج مستعد برخی از جرم‌ها معرفی می‌کنند. به گفته ایشان، هنگامی که کمیسیون مطالعات و ارائه راه‌کار در زمینه کمک به بزه‌دیدگان به مسئله بزه‌دیدگی اشخاص سالمند می‌پرداخت از ضعف روانی این اشخاص، انزوای اجتماعی شان و این واقعیت یاد کرد که آنان اهداف مناسبی برای جرم‌هایی نظیر کیف‌قاپی در شوارع عمومی هستند.^(۵)

ب. جنس: نمونه‌ای از این‌گونه تحلیل‌ها را نیز می‌توان در کتاب یادشده دید. لپز و فیلیزولا در گزارش و تحلیل خشونت‌های فراوان مردان علیه زنان، جنسیت و ویژگی‌های جنسی زنانگی را بستری برای خشونت‌ها و جرم‌های بر ضد آنان می‌دانند و یکی از اهداف انجمن‌های فمینیستی و انگیزه تشکل آنها را حمایت از زنانی می‌داند که به واسطه زن بودنشان و تفاوت‌های موجود بین زن و مرد، آماج بزه قرار گرفته‌اند.

همان‌گونه که بیان شد، مطالعات بزه‌دیده‌شناختی، با چرخش نوک پیکان پژوهش از سوی بزه‌کار، به هر دو طرف پدیده بزه، یعنی هم بزه‌کار و هم بزه‌دیده، آغاز شد. از آن پس، مطالعات جرم‌شناختی برای کنشگر دوم صحنه جرم نیز سهمی در وقوع جرم قایل شدند و درصدد تحلیل این نقش‌آفرینی برآمدند. و این آغاز شکل‌گیری رشته بزه‌دیده‌شناسی بود. متفکران این حوزه مطالعاتی مشارکت و آسیب‌زایی بزه‌دیده را امری مسلم دانسته و سنگ‌بنای مطالعات خویش قرار داده‌اند. از این‌رو، آسیب‌زا بودن بزه‌دیده، درونمایه و شاخصه تمام نظریات بزه‌دیده‌شناختی می‌باشد که در ادامه، آنها را به اختصار در سه حوزه خرد، میان برد و کلان، بررسی خواهیم کرد.

۱. تبیین‌های خرد

برخی از ابعاد مشارکت بزه‌دیده در وقوع کجروی و بزه‌دیدگی ناشی از آن، به ویژگی‌های شخصی او برمی‌گردد. این ویژگی‌های طبیعی، شرایط آسیب‌پذیری را بیشتر فراهم می‌کنند. البته برخی از این ویژگی‌ها قابل کنترل نیستند. مثلاً، شرایط سنی سالمندان و کودکان و ضعف و آسیب‌پذیری حاصل از آن، چیزی نیست که بتوان آنها را کنترل و مهار کرد تا احتمال وقوع جرم یا بزه‌دیدگی ناشی از آن را کاهش دهد، بلکه باید به موازات آمادگی و استعداد بزه‌دیدگی، موارد کنترلی و حفاظتی را افزایش داد تا خطر بزه‌دیدگی کمتر شود.

این نکته به عنوان اولین یافته‌های بزه‌دیده‌شناختی مورد توجه جرم‌شناسانی مانند فون هانتینگ قرار گرفته است. او مدعی است: بزه‌کاران بیشتر به دنبال افرادی هستند که نتوانند به خوبی از خود دفاع کنند؛ درست مثل گرگ‌هایی که به دنبال بره هستند. کودکان، زنان، و

۲. تبیین‌های میان برد

در نظریات بزه‌دیده‌شناختی، متغیرهای میان برد رفتاری نیز در سطح قابل توجهی مورد تأکید قرار گرفته‌اند. بزه‌دیده‌شناسان با مطالعه انواع رفتارهای بزه‌دیدگان، طیف وسیعی از پدیده‌های بزه‌دیدگی را تحلیل می‌کنند. متغیرهای رفتاری در نظریات بزه‌دیده‌شناسی را می‌توان در سه قسم توضیح داد: اول، رفتارهایی که ممکن است آگاهانه یا ناآگاهانه انجام و زمینه‌ساز بزه‌دیدگی فرد شوند؛ دوم، رفتارهایی که عمدتاً ناآگاهانه صورت می‌گیرند و فرد را در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌دهند؛ و سوم، رفتارهایی که با قصد و آگاهی توسط بزه‌دیده انجام می‌پذیرند و بیانگر رضایت - و چه بسا اشتیاق - او به وقوع جرم یا بزه‌دیدگی‌اند. در ادامه، تأثیر نمونه‌هایی از این‌گونه رفتارها بر بزه‌دیدگی را به اختصار بررسی خواهیم کرد.

الف. رفتارهای قسم اول

۱. بی‌حفاظ بودن: به نظر شماری از بزه‌دیده‌شناسان، بی‌حفاظ ظاهر شدن آماج‌های بزه در برابر بزه‌کاران بالقوه، یکی از انواع مشارکت ناآگاهانه در وقوع جرم است. براساس این رویکرد، ایجاد حفاظ برای بزه‌دیدگان بالقوه و انجام تدابیر محافظتی برای اشیا و کالاهای با ارزش، سهم مهمی در دور کردن فکر مجرمان از تعدی به آنها دارد. در بین مواردی که مجرم برای انجام پدیده مجرمانه باید انتخاب کند، قطعاً آماجی را انتخاب می‌کند که حفاظ کمتری داشته باشد. در برخی موارد نیز ممکن است بی‌حفاظی، خود، فکر و انگیزه تعدی را در ذهن مجرم بالقوه ایجاد نماید.

موریس گسن با توضیح این متغیر در نظریه کوهن و فلسن، ارتکاب جرم را وابسته به تلاقی فیزیکی مجرم

بالتوجه و هدف آن می‌داند و در ادامه می‌افزاید: ارتکاب یک جرم توسط شکارچی بستگی به تلاقی فیزیکی بزه‌کار بالقوه و هدف با طعمه‌ای دارد که برای او مطلوب باشد؛ البته با ذکر این نکته که محافظ، مدافع یا نگهبانی وجود نداشته باشد.^(۶)

ریمون بودون و فرانسیس بوریکا نیز این متغیر را در بزه‌دیدگی مؤثر می‌دانند: هنگامی که هدف بی‌حفاظ باشد، حمله خواه بر ضد اشخاص و خواه علیه اموال، برای بزه‌کار آسان‌تر است.^(۷)

بودون و بوریکا سپس وضعیت‌هایی همچون مدت زمان تنها به سر بردن افراد و غالباً بدون مراقب بودن خانه‌ها را شاخصه‌های این بی‌حفاظ بودن معرفی می‌کنند.^(۸)

۲. در معرض بودن: حضور در مکان‌هایی که در آنها خطر بزه‌دیدگی وجود دارد، مانند برخی مکان‌های تفریحی که امنیت چندانی ندارند، یا خروج از منزل در شب هنگام، انجام فعالیت‌های اجتماعی که لازمه‌اش ارتباط با مجرمان و خلاف‌کاران بالقوه است و... همگی نمونه‌هایی از «در معرض بودن»‌اند که احتمال بزه‌دیدگی را بالا می‌برند و فرصت‌های مجرمانه را پدید می‌آورند. گسن در توضیح این متغیر می‌نویسد: افراد مجرد جوان اغلب بیشتر از سایرین بزه‌دیده می‌شوند؛ زیرا ایشان عصر هنگام و در طول شب بیشتر به رستوران‌های شبانه و بارها رفت و آمد می‌کنند و از سوی دیگر، بیشتر با اشخاصی معاشرت می‌کنند که می‌توان آنها را بزه‌کار نامید و عادت روزانه آنها به گونه‌ای است که ایشان را به سمت نشست و برخاست با افراد خطرناک و رفت‌وآمد به مکان‌های خطرناک در زمان‌های خطرناک می‌کشاند.^(۹)

او همچنین در جای دیگر می‌گوید: مجاورت و نزدیکی بزه‌کار و بزه‌دیده، احتمال بزه‌دیده شدن را افزایش می‌دهد. بنابراین، افرادی نظیر کودکان و زنان و

آمریکا در بیست و شش درصد تمامی قتل‌های کشف‌شده توسط پلیس، بزه‌دیده عنوان عامل اصلی به شمار می‌رفت؛ یعنی این بزه‌دیده بود که ضربات اول را وارد آورده بود. (۱۲)

ج. رفتارهای آگاهانه

۱. **وسوسه، ترغیب، پیش‌قدمی:** در بیان این بعد از نقش‌آفرینی بزه‌دیده، رفتارهایی مورد توجه قرار می‌گیرد که تأثیر خود را در مراحل پیش از بزه‌دیدگی برجای می‌نهند و ماهیت آنها، ایجاد انگیزه لازم برای ارتکاب جرمی است که در آینده‌ای نه چندان دور، رخ خواهد داد. از جمله نمونه‌های این رفتارها هم مواردی مانند وسوسه‌انگیزی، اغوا، ترغیب، تشویق، تحریک، جذب کردن، به خشم آوردن، جلب توجه کردن، پیش‌قدم شدن، به دام انداختن و حتی القا کردن ایده جرم است. (۱۳) در برخی جرم‌ها بخصوص جرم‌های جنسی مشاهده می‌شود که بزه‌دیده خود با وسوسه‌انگیزی، ترغیب، اغوا و دسیسه‌چینی در انجام جرم پیش‌قدم می‌شود. در برخی دیگر از جرم‌ها، بزه‌دیده و بزه‌کار با هم تبانی می‌کنند؛ همچون قتل‌های ترحمی که بیمار، آگاهانه با پزشک همدستی نموده و با طرح و نقشه قبلی، دست به عمل می‌زنند.

۳. تبیین‌های کلان

برخی بزه‌دیده‌شناسان از متغیرهای ساختاری و اجتماعی برای تبیین پدیده بزه‌دیدگی استفاده نموده‌اند. این متغیرهای تبیینی، توزیع نامنظم وقوع این پدیده در مناطق مختلف را توضیح می‌دهند. مشاهده این نکته که برخی از خانواده‌ها و محله‌ها دچار بزه‌دیدگی‌های مکرر از برخی جرم‌ها می‌شوند، اما در جاهای دیگر، این نسبت متفاوت

سالخوردگان... باید با به وجود آوردن فاصله بین خود و بزه‌کاران بالقوه، احتمال خطر را کاهش دهند. (۱۰)

ب. رفتارهای ناآگاهانه

۱. **بی‌مبالاتی:** رفتارهای ناشی از غفلت، بی‌دقتی، بی‌مبالاتی یا سهو بزه‌دیدگان بالقوه، فرصت‌های مناسبی را برای افراد مستعد ارتکاب جرم به وجود می‌آورد و شرایط را برای آنان هموار می‌سازد. اندیشمندان این حوزه مطالعاتی، این‌گونه رفتارها را تسهیل‌کننده عمل مجرمانه می‌دانند. برای مثال، امضا کردن قراردادهای مالی‌ای که دارای بندهای حقوق متعددی است، بدون مطالعه و دقت لازم، از عوامل شایعی است که زمینه فریب خوردن و متحمل شدن ضررهای مالی را فراهم می‌کند. هرگاه شخصی در اتخاذ تدابیر احتیاطی لازم برای مقابله با وقوع جرم، کوتاهی کند (آن هم در مواردی که احتمال وقوع این پدیده عقلانی است)، می‌توان گفت که آن شخص، شرایطی را فراهم آورده که در آن، جرمی علیه او اتفاق بیفتد. (۱۱)

۲. **بی‌ملاحظگی و شتاب‌زدگی:** بی‌ملاحظگی و شتاب‌زدگی که آن را از جمله رفتارهای خطرناک به شمار می‌آورند، یکی از عناصر شایعی است که در صحنه جرم به وقوع می‌پیوندد و در بزه‌دیده‌شناسی بدان توجه شده است. هنگام مواجهه با مجرم و واقع شدن در صحنه جرم، هر شخص بنا به اطلاعات و روحيات خود ممکن است واکنش خاصی از خود نشان دهد. بسیاری از افراد در چنین موقعیت‌هایی، واکنش‌های نسنجیده و تندی از خود بروز می‌دهند. این واکنش‌ها غالباً به صورت خشونت یا پرخاشگری است که باعث تحریک مجرم می‌شود و او را در صدمه زدن به فرد تحریک می‌کند. برای نمونه، تحقیق ولفگانگ (۱۹۵۸) نشان داد که در ایالت فیلادلفیای

الف. الگوی سبک زندگی

شیوه زندگی افراد و ارتباط آنان با مجرمان بالقوه یکی از عناصر کلان در نظریات بزه‌دیده‌شناختی است. با تفاوت شیوه زندگی افراد، میزان برخورد آنها با مجرمان و در معرض خطر قرار گرفتن آنها متفاوت می‌شود. نوع زندگی فرد، نقش کلیدی در آسیب‌پذیری او دارد؛ زیرا به طور تنگاتنگی در ارتباط با وضعیت‌هایی است که فرد را در معرض خطر بزه‌دیده واقع شدن قرار می‌دهد.^(۱۶)

منطق اساسی ارتباط‌دهنده میزان بزه‌دیده شدن و سبک زندگی در نظریه ارائه‌شده توسط کوهن و فلسون در سال ۱۹۷۹ مطرح شده است.^(۱۷) با این توضیحات، به راحتی می‌توان نتیجه گرفت که مجاورت و زندگی در جامعه‌ای که شمار خلاف‌کاران و مجرمان آن بیشتر است، احتمال بزه‌دیدگی را بالا می‌برد. همچنین برخی از عوامل اجتماعی، همچون فقر و محرومیت در یک جامعه یا محله، احتمال بزه‌دیدگی را برای کسانی که با آن محله‌ها ارتباط و رفت‌وآمد دارند، افزایش می‌دهد.

در این خصوص عبدالفتاح (۱۹۹۱) نیز یادآور شده است که فرصت‌های بزه‌دیدگی، ارتباط نزدیکی با خصوصیات شغلی آماج‌های بالقوه و فعالیت‌ها و رفتارهای آنها دارد. به گفته او، استعداد برخی مشاغل برای فراهم آوردن زمینه بزه‌دیدگی، بیش از حد متوسط موجود در مشاغل عادی است؛ و افراد دارای چنین مشاغلی، بیش از افراد دارای مشاغل کم‌خطرتر، در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند. او نمونه‌های این‌گونه فعالیت‌ها را به شرح زیر برمی‌شمرد: مواردی مانند حمل و نقل مسافر یا کالا و معامله در اماکن عمومی که به خودی خود زمینه‌ساز بزه‌دیدگی است و پیوندی قوی با بزه‌دیدگی‌های خشن دارد؛ فعالیت‌های تفریحی، شیطنت‌آمیز و مخاطره‌جویانه که خطرآفرینی آن، بیش از

است، باعث شد که اندیشمندان بزه‌دیده‌شناس به برخی متغیرهای کلان اجتماعی نیز توجه کنند. این دسته جرم‌شناسان می‌گویند: پژوهش‌ها و آمارها نشان می‌دهند که جرم و قربانی جرم شدن به صورت تصادفی در میان جمعیت توزیع نمی‌شود. برای مثال، میزان احتمال اینکه کسی قربانی جرم و جنایت شود، پیوند تنگاتنگی با ناحیه زندگی او دارد. مناطقی که از محرومیت مادی بیشتری رنج می‌برند، در کل، نرخ‌های جرم و بزه‌دیدگی بالاتری دارند.^(۱۴)

عبدالفتاح (۱۹۹۱) برخی از این متغیرها را که در برخی نظریه‌های بزه‌دیدگی مورد توجه قرار گرفته‌اند، به شرح زیر بیان کرده است. به گفته او، خطر بزه‌دیدگی، ارتباط نزدیکی با منطقه محل سکونت دارد. برای مثال، او به موارد زیر اشاره می‌کند:

۱. افرادی که در مناطق جرم‌خیز یا پیرامون آن سکونت دارند، احتمال بزه‌دیدگی بسیار بالاتری دارند تا افراد ساکن در مناطقی که جرم یا بزه کمتری در آنجا صورت می‌گیرد.

۲. میزان بزه‌دیدگی، معمولاً در مرکز شهر بیش از مناطق حاشیه‌ای شهر است.

۳. سکونت در مرکز شهر در کنار متغیرهای دیگر، بعضی از گروه‌ها را در موقعیت‌هایی قرار می‌دهد که احتمال بزه‌دیدگی در آن فوق‌العاده بالاست.

تحقیق سامپسون و ولدرج (۱۹۸۷) نیز نشان داده است که صرف زیستن در یک محیط اجتماعی کم‌حفاظ می‌تواند از جمله علل ایجاد ساختارهای «فرصت جرم» محسوب شود؛ بدون آنکه موقعیت خاص آماج‌های بالقوه جرم، دخالتی در شکل‌گیری آن داشته باشد.^(۱۵)

در ادامه به دو نمونه از تبیین‌های کلان بزه‌دیدگی اشاره می‌شود:

فعالیت‌های اجتماعی می‌داند. او همچنین مدعی است که احتمال این بزه‌دیدگی، به میزان فراوانی و تکرار این فعالیت‌ها و همچنین به میزان زمانی بستگی دارد که شخص برای آن صرف می‌کند. (۲۱)

مقولات مورد نظر در تحقیق

با توجه به اینکه در این نوشتار قصد داریم دیدگاه‌های منابع اسلامی پیرامون محورهای موجود در نظریه‌های بزه‌دیده‌شناسی را به اختصار مورد بررسی قرار دهیم، برخی از این محورها را که در این نوشتار امکان پرداختن به آنها هست در قالب مقوله‌های ذیل خلاصه می‌کنیم:

۱. بزه‌دیده می‌تواند در شکل‌گیری کجروی یا بزه‌دیدگی خود، مؤثر و مسئول باشد.
۲. برخی رفتارها، چه آگاهانه یا غیرآگاهانه، احتمال بزه‌دیدگی را بالا می‌برند.
۳. برخی رفتارهای آگاهانه (تشویق، ترغیب، اغوا،...) احتمال بزه‌دیدگی را بالا می‌برند.
۴. برخی رفتارهای ناآگاهانه (بی‌مبالاتی، شتاب‌زدگی، فعالیت‌های پرخطری همچون پرخاشگری و...) احتمال بزه‌دیدگی را بالا می‌برند.
۵. شیوه زندگی فرد در میزان بزه‌دیدگی او مؤثر است.
۶. برخی فعالیت‌های روزمره احتمال بزه‌دیدگی را بالا می‌برد.

متون اسلامی و تحلیل‌های بزه‌دیده‌شناختی

۱. نقش و مسئولیت بزه‌دیده در شکل‌گیری کجروی

یا بزه‌دیدگی خود

در برخی آیات و روایات، ذیل عنوان‌هایی مانند «خطا کاری، گناه کاری، انتقال تقصیر، و شایستگی ملامت»، مسئولیت اخلاقی و بعضی از هزینه‌های اجتماعی انواع بزه از بزه‌کار به بزه‌دیده انتقال داده شده و به او نسبت داده

اعمالی است که فرد را ناخواسته و منفعلانه، در معرض خطر قرار می‌دهد و... او همچنین به انواعی از یافته‌های بزه‌دیده‌شناختی اشاره می‌کند که بیانگر پیوند عمیق‌تر و قطعی‌تر اشتغال به فعالیت‌های مجرمانه با بزه‌دیدگی است؛ و نشان می‌دهد که بزه‌کاران، بیش از هم‌نویان و بزه‌ناکردگان در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند. (۱۸)

ب. الگوی فعالیت‌های روزمره

یکی دیگر از رویکردهای بزه‌دیده‌شناختی، بزه‌دیدگی را در ارتباط با فعالیت‌های روزمره افراد، از جمله فعالیت‌های مربوط به کار، مدرسه و خانه‌داری و حتی فعالیت‌های مرتبط با اوقات فراغت، بررسی می‌کند. (۱۹)

براساس این رویکرد، نوع فعالیت‌های روزانه افراد در میزان بزه‌دیدگی آنان مؤثر است، مثلاً، احتمال بزه‌دیدگی آنان که بیشتر از خانه خارج می‌شوند، نسبت به کسانی که کمتر از خانه خارج می‌شوند، بیشتر است. یافته‌های برخی تحقیقات انجام شده در سوئیس نیز نشان داده است بزه‌دیدگانی که قربانی جرم‌های علیه اشخاص شده بودند، اغلب شب‌ها از منزل خود خارج می‌شدند و اوقات زیادی را بیرون از خانه می‌گذراندند. (۲۰)

انجام برخی فعالیت‌های اجتماعی مانند سروکار داشتن با افراد خلافکار، داشتن شغل‌هایی همچون پلیسی و حضور در محله‌ها و مکان‌هایی که مجرمان زیادی در آنجا زندگی می‌کنند و... نیز می‌تواند میزان احتمال بزه‌دیدگی را بالا ببرد.

عبدالفتاح (۱۹۹۱) نیز یادآور می‌شود که برخی

فعالیت‌های اجتماعی، افراد را به عنوان آماج‌های مستعد بزه‌دیدگی، در مجاورت گروه و سیعی از مجرمان بالقوه، ناشناخته و گمنام قرار می‌دهد؛ و از این طریق، سطح بی‌حفاظ ماندن آنان را افزایش می‌دهد. او نمونه این فعالیت‌ها را خروج شب هنگام از منزل به قصد تفریح یا

نیز در حالی است که وی می‌کوشیده تا با استفاده از این برداشت عرفی و ابزارهای دیگری که اختیار دارد، خود را تبرئه کند و یوسف علیه السلام را مقصر جلوه دهد. (۲۲)

۱-۲. سزاوار سرزنش دانستن زیان‌دیدگان توسط قرآن در

بسیاری از موارد: در تحلیلی که در قرآن کریم و روایات اهل‌بیت علیهم السلام درباره فرایند ارتکاب گناه از سوی افراد، ارائه شده است، عنصر خاصی وجود دارد که چهره‌ای نسبتاً متفاوت با تحلیل‌ها و تعریف‌های رایج از کجروی، بدان می‌بخشد. در بیانی کلی، می‌توان گفت: آموزه‌های اسلامی، ارتکاب گناه را پیش از هر چیز، نوعی آسیب‌دیدگی ناشی از فریب‌ها و فریب‌کاری‌های شیطان می‌دانند. این تحلیل، مبتنی بر دو مقدمه زیر است: اول، اینکه آموزه‌های اسلامی با توجه به پیامدهای ناگواری که زیر پا نهادن هنجارهای الهی برای گناه‌کاران در پی دارد، آن را نوعی خسران و زیان دیدن آنها در حیات این جهانی و آن جهانی‌شان می‌دانند. دیگر اینکه، این‌گونه رفتارها را معلول «اغوا»ی شیطان و کارگزاران او می‌شمرند که در بیان عرفی، معادل با نوعی کلاه‌برداری است.

شاهد این ادعا، شماری از آیات قرآن کریم‌اند که لغزش و کجروی انسان‌ها را مستقیماً به شیطان نسبت داده‌اند. اولین نمونه از این موارد، فراز زیر از آیه ۳۶ سوره «بقره» است که خداوند در آن، ازلال و لغزش آدم و حوا را به شیطان نسبت می‌دهد: ﴿فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ...﴾؛ پس شیطان هر دو را از آن بلغزاند و از آنچه در آن بودند ایشان را به درآورد.

مفسران درباره نسبت دادن این لغزش به شیطان چنین گفته‌اند: چون شیطان سبب اخراج آدم و همسرش از بهشت شد و آنچه آدم و همسرش انجام دادند به خواست شیطان و وسوسه او بود، و لغزش آن‌دو به او نسبت داده شده است. (۲۳) آیه زیر نیز با اشاره به ماجرای لغزش یاران پیامبر

می‌شود. محورهای زیر نمونه‌هایی از تعبیرهایی است که در قرآن کریم و احادیث اهل‌بیت علیهم السلام یافت می‌شود و مسئولیت یا تأثیر بزه‌دیده در شکل‌گیری جرم یا وقوع بزه‌دیدگی را بیان می‌کند.

۱-۱. مقصر شناختن بزه‌دیده توسط قرآن و دادن نسبت

«خطاکار» و «گناه‌کار» به او: نمونه این تحلیل را می‌توان در آیات ۲۳ تا ۲۸ سوره «یوسف» دید. این آیات به بیان ماجرای پرداخته‌اند که در آن، حضرت یوسف علیه السلام آماج هوسرانی‌های همسر عزیز مصر قرار گرفته است: «و آن زن که یوسف در خانه‌اش بود، از او تمنای کام‌جویی کرد و درها را بست و گفت: بشتاب به سوی آنچه برایت مهیاست. [یوسف] گفت: پناه بر خدا! او آقای من است، به من جای نیکو داده است... و در حقیقت [آن زن] آهنگ وی کرد، و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود، آهنگ او می‌کرد... و آن دو به سوی در بر یکدیگر سبقت گرفتند، و [آن زن] پیراهن او را از پشت بدرید و در آستانه در، آقای آن زن را یافتند. زن گفت: کیفر کسی که قصد بد به خانواده تو کرده چیست؛ جز اینکه زندانی شود یا عذابی دردناک ببیند؟ [یوسف] گفت: او از من کام خواست. و شاهدی از خانواده آن زن شهادت داد: اگر پیراهن او از جلو دریده شده، زن راست گفته و او از دروغ‌گویان است، و اگر پیراهن او از پشت دریده شده، زن دروغ گفته و او از راست‌گویان است.» پس چون [عزیز] دید پیراهن او از پشت دریده شده، گفت: بی‌شک، این از نیرنگ شما [زنان] است، که نیرنگ شما [زنان] بزرگ است. چنان‌که می‌بینیم، در آیات ۲۶ تا ۲۸، قرآن کریم به طرف مؤنث ماجرا - که در جرم‌های جنسی، عرفاً بزه‌دیده محسوب می‌شود - مستقیماً نسبت گناه و خطا می‌دهد و با تعبیری که حاکی از مسئولیت این بزه‌دیده عرفی و تأثیرگذاری شایان توجه اوست، امر به استغفار می‌کند. این

مرا سرزنش نکنید، بلکه خویشتن را سرزنش کنید [که چرا دعوت شیطنت‌آمیز و ظاهرالفساد مرا پذیرفتید]... .

۱-۳. بزه‌دیدگی هر فرد، نتیجه عمل خود او: در برخی روایات، هر نوع جنایت انجام‌شده علیه فرد، نتیجه اعمال خود او شمرده شده و با این بیان، به نوعی، به نقش‌آفرینی‌های افراد در بزه‌دیدگی‌ها و زیان‌دیدن‌های ناشی از جرم‌هایی که علیه آنها انجام می‌گیرد، اشاره شده است. نمونه‌هایی از این تحلیل را می‌توان در دو روایت زیر که از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است، دید:

حدیث نخست که در کتاب شریف *من لا یحضره الفقیه* آمده، یادآور شده است: هر نوع جنایتی که علیه فرد، انجام می‌پذیرد، تنها نتیجه عمل خود اوست. وجود ادات حصر در بیان این حدیث که مفید تعمیم است، به روشنی از نقش‌آفرینی بر نقش‌آفرینی مؤثر بزه‌دیده در آسیب‌های وارد بر او حکایت می‌کند: «ایجنی علی المرء الا یدیه»؛ (۲۵) جز دستان انسان، کسی بر او جنایتی روا نمی‌دارد.

محققان در تفسیر این حدیث، از یک‌سو، تأکید می‌کنند که در اغلب موارد، زیان‌ها و آسیب‌هایی که بر افراد وارد می‌شود، نتیجه اعمال خود آنهاست؛ و از سوی دیگر، ارتباط آن را برخی مضمون‌های قرآنی نشان داده‌اند که در این مختصر، مجال پرداختن به آنها نیست. (۲۶) برخی از آنان نیز با تفسیر این مضمون در قالب عبارات زیر، برداشت یادشده را تأیید کرده‌اند: هر بلا که بر سر انسان آید از جانب خود اوست. (۲۷)

روایت دوم با تأکید بر این نکته که خسارت‌های واردشده بر هر فرد تنها ناشی از جنایت‌های خود اوست، مضمون پیش‌گفته را با بیان دیگری یادآور شده و آن را تقویت کرده است: «الا لا یجنی جان الا علی نفسه»؛ (۲۸) زنهاری که کسی مرتکب جنایتی نمی‌شود جز آنکه علیه خود اوست.

چنان‌که می‌بینیم در این روایت، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یادآور

اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جنگ احد، این لغزش و تخلف نظامی را با تعبیر زیر به شیطان نسبت داده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا...﴾ (آل عمران: ۱۵۵)؛ روزی که دو گروه با هم رویاروی شدند، کسانی که از میان شما [به دشمن] پشت کردند، در حقیقت، جز این نبود که شیطان آنان را به سبب بعضی از آنچه [از گناه] حاصل کرده بودند، بلغزانید.

فراگیری این تحلیل را همچنین می‌توان در آیات زیر دید که بخش عمده انسان‌ها را در طول تاریخ، در معرض این نوع بزه‌دیدگی می‌داند: ﴿قَالَ فَعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ﴾ (ص: ۸۲-۸۳)؛ [شیطان] گفت: پس به عزت تو سوگند که همگی را جدا از راه به در می‌برم، مگر آن بندگان پاکدل تو را.

اما در نهایت، در نگاه این آموزه‌ها، انسان موجودی مختار و دارای قدرت انتخاب است و فریب خوردن او از شیطان، نوعی گزینش نادرست اوست. پس، با وجود فریب‌خوردگی و بازی خوردن از شیطان، باز هم همین انسان زیان‌دیده است که مسئول و مقصر قلمداد می‌شود.

این نکته نیز از جمله در آیه ۲۲ سوره «ابراهیم» مورد توجه قرار گرفته است که با ترسیم صحنه‌ای از زمان پایان گرفتن کار حساب‌رسی افراد در روز رستاخیز، سخن زیر را از شیطان نقل می‌کند. این سخن در واقع، تفسیری از داوری پروردگار و به ویژه، نوعی پاسخ به افرادی است که - برحسب تصویر ارائه‌شده در آیه قبل - می‌کوشند مسئولیت رفتارهای نادرست خود را به دیگران منتقل کنند: (۲۴) ﴿وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ... مَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ...﴾؛ و چون حکم به پایان رسید شیطان به کافران گوید: ... من بر شما سلطه‌ای نداشتم و فقط از شما خواستم و شما خواسته مرا اجابت کردید. پس

دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید...
(احزاب: ۳۲-۳۳)

مفسران با تعبیر مختلف بدین نکته توجه داده‌اند که این آیات، مخاطبان واقعی خود را - که به همسران پیامبر ﷺ منحصر نیستند - از صدور انواعی از علایم آسیب‌پذیری، پرهیز داده است و علت این نهی را نیز آن می‌داند که این‌گونه علایم می‌توانند موجب جلب توجه مجرم بالقوه یا تقویت انگیزش ارتکاب جرم در او شوند. آنان در خصوص فراز ذکر شده از آیه نخست، یادآور می‌شوند که به نرمی - و چه بسا کرشمه - سخن گفتن با مردان، سبب می‌شود که آنان در چهره زانی جلوه کنند که به جنس مخالف، تمایلی دارند؛ و این وضع، مردانی را که در غرایز جنسی از تعادل لازم برخوردار نیستند، دچار طمع کرده، به فکر گناه می‌افکند. (۲۹) به همین شکل، آنان فراز ذکر شده از آیه دوم را نیز بیانگر رفتارهایی می‌دانند که جزء عادات فرهنگی زنان در جامعه پیش از اسلام بوده (۳۰) و در نتیجه، می‌توانسته در بخش‌هایی از جامعه همچنان طبیعی محسوب شود.

بدین شکل، می‌توان گفت که آیات یاد شده می‌توانند بیانگر توجه قرآن به آثار رفتارهایی باشند که ممکن است ناآگاهانه و بدون هیچ قصدی از سوی آماج‌های مستعد بزه‌دیدگی سر بزنند. اما به مثابه علایمی هستند که می‌توانند توجه مجرمان بالقوه را به خود جلب نموده و دست‌کم با به خطا انداختن آنها، انگیزه‌های ارتکاب جرم را در آنان تقویت کنند.

۲-۲. رفتارهای آگاهانه: در برخی از موارد، این بزه‌دیدگی است که به هر دلیل، ممکن است رفتاری عمدی انجام دهد تا شرایط وقوع بزه - و در نتیجه، بزه‌دیدگی او - فراهم آید. برخی از این رفتارها عبارتند از: اغوا، ترغیب، تشویق، تحریک، پیش‌قدمی، زمینه‌سازی و عرضه‌گری. به

شده‌اند که آثار جنایت‌های هر فرد، بی‌تردید دامان خود او را گرفته و زیان‌ها و آسیب‌های ناشی از آن بی‌تردید به خود او خواهند رسید.

۲. رفتارهای بزه‌دیده

تحلیل‌های میان برد یا موقعیتی بزه‌دیده‌شناختی با تمرکز بر موقعیت وقوع جرم و بازکاوی رفتارهای طرفین در شکل‌گیری جرم و بزه‌دیدگی، ساخت طرفینی این پدیده را به عنوان یک اصل در نظر گرفته و یاری‌رسانی بزه‌دیده در موقعیت‌های وقوع جرم را مورد تأکید قرار می‌دهند. در بررسی این تبیین‌ها، رفتارهای بزه‌دیده به سه دسته تقسیم شد: اول، آنها که می‌توانند آگاهانه یا ناآگاهانه انجام شوند. دوم، رفتارهای آگاهانه و سوم، انواعی از رفتارهای ناآگاهانه آماج‌های بزه که می‌توانند زمینه‌ساز بزه‌دیدگی آنها باشند. در ادامه، نمونه‌هایی از گزاره‌های دینی ناظر به این تحلیل‌ها را مرور می‌کنیم.

۳-۱. رفتارهای دسته اول:

۲-۱-۱. صدور علایم آسیب‌پذیری: از جمله رفتارهایی که باعث جلب توجه مجرم بالقوه به آماج‌های مستعد بزه‌دیدگی یا تقویت انگیزش ارتکاب جرم در او می‌شود، صدور برخی علایم از طرف آن آماج‌هاست که آمادگی یا استعداد آنها را برای قرار گرفتن در فرایند وقوع رفتار مجرمانه، اعلام می‌کند. فرازهای ذکر شده از دو آیه زیر، نمونه‌هایی از توجه گزاره‌های اسلامی به نقشی است که بزه‌دیده بالقوه قادر است با صدور علایم آسیب‌پذیری در فرایند شکل‌گیری جرم، ایفا کند.

این آیات که خطاب به همسران پیامبر ﷺ سخن می‌گویند، آنان را از انجام رفتارهایی خاص، نهی کرده‌اند: «ای همسران پیامبر!... به نرمی، سخن نگویند تا (مبادا) آنکه در دلش بیماری است، طمعی پیدا کند... و همچون

می‌داد که اشخاص فریبکار انجام می‌دهند تا طرف مقابلشان را بفریبند و آنچه را که او در اختیار دارد و نمی‌خواهد از دست بدهد، از وی بربایند. به نظر آنان، منظور آیه، چاره‌اندیشی‌ها و نیرنگ‌هایی است که زلیخا انجام داد تا یوسف را به کام‌جویی وادار سازد.^(۳۱) با این تحلیل، در این آیه، آن که سعی در زمینه‌سازی وقوع بزه دارد، خود زن است که با حیله و نیرنگ می‌کوشد طرف مقابل را اغوا کند.

تعبیر «غَلَقَتِ الْأَبْوَابَ» در آیه یادشده، بیانگر بستن درب‌ها به سختی و محکمی است.^(۳۲) این کار نیز توسط طرف مؤنث صورت می‌پذیرد و دلالت‌های زیر را با خود دارد: اول، نوعی زمینه‌سازی بستر گناه است؛ با این هدف که وقوع آن را تسهیل کند. دوم، حاوی پیام‌های مثبت زن به طرف مقابل است تا بدو بفهماند که برای انجام بزه از طرف او مشکلی نخواهد بود. و سوم، راه فرار را بر او می‌بندد و با این ترفند، مجال ارتکاب گناه و فرصت متقاعد ساختن او را افزایش می‌دهد.

به نظر آنان، فراز «هَيْتَ لَكَ» می‌تواند بیانگر مواردی باشد که آماج بزه، خود را بسان یک کالای جذاب عرضه می‌کند تا نظر مجرم را به خویش جلب کند. تحلیل‌های مفسران از این فراز، مفهوم «عرضه‌گری» را به روشنی می‌رساند. آنان برآنند که آن بانو خود را آماده‌گناه کرد و به یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ اعلام نمود آماده است تا در اختیار او قرار گیرد. برخی دیگر، معنای این فراز را «بیا» و «بشتاب» دانسته‌اند. این معنا گویای آن است که او با فراهم کردن شرایط، از یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ، دعوت و او را به رفتار ناشایست مورد نظرش، «ترغیب و تشویق» کرده است.^(۳۳)

مقدم شدن فراز «هَمَّتْ بِهِ» بر فراز «هَمَّ بِهَا» نیز می‌تواند بیانگر پیش‌قدمی آماج بزه باشد که مفسران به اتفاق به آن توجه داده‌اند؛ یعنی، رفتاری که به بزه‌کار بالقوه

نظر بسیاری از بزه‌دیده‌شناسان، نمونه‌شایعی از این‌گونه رفتارها را می‌توان در «جرم‌های جنسی» مشاهده کرد. به بیان دیگر، آنان برآنند که به‌رغم آنکه در جرم‌های جنسی، طرف مؤنث عرفاً بزه‌دیده محسوب می‌شود، در موارد متعددی از این جرم‌ها، این زن است که با اقدامات تسهیل‌کننده یا برانگیزاننده، خود را در معرض رفتارهای مجرم‌ان بالقوه قرار داده است. البته آنان یادآور می‌شوند که این رفتارها همیشه به قصد بزه انجام شده یا با آگاهی از احتمال وقوع آن، صورت نمی‌گیرد، بلکه در بسیاری موارد، تنها با هدف تحریک طرف مقابل و لذت‌جویی‌های مقدماتی است. اما در عمل، مجرم را به انجام بزه و گاه استفاده از زور و فشار برمی‌انگیزاند.

با توجه به نزدیکی مضمون‌های «پیش‌قدمی»، «عرضه‌گری»، «تشویق» و «اغواء» و به ویژه اینکه همه شواهد قرآنی ناظر به آنها را از آیات ۲۳ و ۲۴ سوره «یوسف» استفاده کرده‌ایم، شواهد قرآنی ناظر به این مقولات آنها را یکجا بررسی می‌کنیم. چنان‌که گذشت، این آیات، بیانگر ماجرای هستند که در آن، حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ آماج هوس‌رانی‌های همسر عزیز مصر قرار گرفت: «و آن زن که یوسف در خانه‌اش بود از او تمنا می‌کرد و او را بست و گفت: بشتاب به سوی آنچه برایت مهیاست... و در حقیقت، [آن زن] آهنگ وی کرد، و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود، آهنگ او می‌کرد...».

مفسران، فرازهای بیان‌شده از این آیات را به گونه‌ای تحلیل کرده‌اند که به روشنی توجه قرآن کریم را به مضمون‌های موردنظر، نشان می‌دهد. به تصریح آنان، معنای فراز ﴿رَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ﴾ در آیه ۲۳ این است که همسر عزیز مصر، می‌کوشید یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ را با «نیرنگ» به خود متوجه سازد؛ یعنی، کارهایی انجام

چنان‌که می‌بینیم، عنصر اساسی این تعریف، بی‌توجهی به پیامدهای آسیب‌آفرین عمل است. وجود این عنصر، نوعی همخوانی را بین این مفهوم و مضمون «اطلاق غضب (رها کردن خشم)» در روایات اسلامی - که بیانگر رفتارهای کنترل‌نشده و غیرعقلانی ناشی از این‌گونه هیجانات عاطفی است - پدید می‌آورد. (۳۵)

بسیاری از روایات به عواقب بد «اطلاق غضب» هشدار داده‌اند و آسیب‌های ناشی از این‌گونه رفتارها را بیش از هر چیز، متوجه مرتکب آن می‌دانند. برای نمونه، در ذیل، به دو روایت نقل شده از امام علی علیه السلام در این زمینه اشاره می‌شود. این روایات، اطلاق غضب را همچون آتشی سوزان می‌دانند که هلاکت خود فرد را در پی دارد.

در روایت اول، این نوع رفتار به آتشی تشبیه شده که مرتکب آن را با شعله خود، سوزانده و به هلاکت می‌کشاند: «الْعُضْبُ نَارٌ مُوقَدَةٌ مَنْ كَظَمَهُ أَطْفَأَهَا وَ مَنْ أَطْلَقَهُ كَانَ أَوَّلَ مُحْتَزِقٍ بِهَا»؛ (۳۶) غضب، آتشی است فروزنده. آن که آن را فرو نشاند، آن آتش را خاموش کرده است و آن که آن رها کند، خود او اولین کسی است که در شعله‌اش خواهد سوخت.

در روایت دوم نیز همین امام همام یادآور شده‌اند: «مَنْ غَلَبَ عَلَيْهِ غَضَبُهُ تَعَرَّضَ لِعَطْبِهِ»؛ (۳۷) هر که غضبش بر او غلبه کند، متعرض هلاک خود گشته و خود را در معرض آن قرار داده است.

شارحان این احادیث، غلبه غضب بر فرد را بیانگر تصمیم‌گیری‌های نسنجیده و پرخاشگرانه ناشی از این حالت هیجانی دانسته و از جمله یادآور شده‌اند: با غلبه غضب هیچ دور نیست که کاری کند که باعث هلاکت اخروی او گردد، بلکه گاهی دنیوی نیز. (۳۸)

به همین شکل، در حدیث دوم نیز تعبیر «تَعَرَّضَ» به روشنی به نقش فرد در هلاکت خود، اشاره دارد. (۳۹)

می‌فهماند برای انجام بزه با بزرگ‌ترین مشکل - که همانا ممانعت بزه‌دیده است - روبه‌رو نخواهد بود و ممکن است تمایل و تلاش او به انجام بزه را چند برابر کند. این نکته در آیات پیش‌گفته ۲۶ تا ۲۸ این سوره نیز مورد توجه است که به از پشت دریده شدن پیراهن یوسف علیه السلام توجه داده و آن را بیانگر مقصر نبودن او شمرده‌اند. این آیات، نشان می‌دهند که زلیخا همان‌گونه که در فراهم کردن مقدمات رسیدن به مقصود، پیش‌قدم بود، پس از فراهم شدن شرایط نیز باز او بود که ابتدا اقدام کرد. (۳۴)

۲-۳. رفتارهای ناآگاهانه: از جمله رفتارهای ناآگاهانه می‌توان به خشونت و پرخاشگری، بی‌مبالاتی و بی‌ملاحظگی و رفتارهای پرخطر اشاره کرد. به گفته برخی محققان، گاه خشونت بیجا و پرخاشگری آماج جرم، به نوعی همیاری در وقوع جرم بدل می‌شود، به گونه‌ای که اگر بزه‌دیده این پرخاشگری و واکنش نسنجیده را از خود نشان نمی‌داد، جرم یا اصلاً صورت نمی‌پذیرفت و یا از شدت آن کاسته می‌شد. روایات معصومان علیهم السلام از این متغیر با تعبیری همچون غضب، تعجیل و... یاد کرده‌اند. این گزاره‌ها در تبیین این رفتارهای ناآگاهانه به سازوکارهای مختلفی اشاره کرده‌اند. نقطه مشترک این تعبیر، ضعف تعقل فرد و عقلانی نبودن این واکنش اوست و اینکه این نوع برخورد، حاصلی جز پشیمانی و زیان خود وی ندارد. در ادامه، چند نمونه از این گزاره‌ها را بررسی می‌کنیم:

۲-۳-۱. پرخاشگری: روان‌شناسان در تعریفی نسبتاً جامع از پرخاشگری آن را چنین تعریف می‌کنند: پرخاشگری ناظر به رفتاری است که با نیت تخریب اموال یا صدمه زدن به شخص دیگر انجام می‌شود و متضمن بی‌توجهی محض به سلامت دیگران و احتمالاً خود است؛ پیامدهای پرخاشگری ممکن است فیزیکی یا روانی باشد.

۲-۳-۲. بی‌ملاحظگی و بی‌مبالاتی: توجه قرآن به نقش بی‌ملاحظگی و بی‌مبالاتی آماج بزه در بزه‌دیدگی او را - برای مثال - می‌توان در دو آیه زیر دید:

آیه ۱۶۵ سوره «آل عمران» بیانگر ماجرای است که در جنگ احد اتفاق افتاده است. سپاه اسلام، در مرحله اول، با پیروزی بر دشمن عنان جنگ را در دست گرفته بودند. اما در اثر غفلی که از آنان سر زد، در جمع‌آوری غنایم عجله کردند و فرمان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در مواظبت بی‌وقفه از تنگه احد، زیر پا نهادند. دشمن از این غفلت و بی‌مبالاتی استفاده کرد و از همان نقطه بر سپاه اسلام یورش برد؛ و ضربات جبران‌ناپذیری بر آنها وارد کرد و هفتاد نفر از آنان را به شهادت رساند. در این آیه می‌خوانیم: ﴿أَوْلَمَّا أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَيْهَا قُلْتُمْ أَنَّى هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ...﴾؛ آیا زمانی که [در جنگ احد] آسیبی به شما رسید که بی‌تردید دو برابرش را [در جنگ بدر به دشمن] رساندید. می‌گویید: این آسیب چگونه و از کجاست؟ بگو: از ناحیه خود شماست.

مفسران در تحلیل این آیه، تأکید دارند که قرآن کریم، ضرباتی را که بعد از رها کردن تنگه احد بر سپاه اسلام وارد آمد حاصل بی‌مبالاتی سپاهیان مسلمان در حفاظت از آن تنگه می‌دانند و مسئولیت صدمات حاصله را بر عهده خود آنان - که در واقع، بزه‌دیدگان این ماجرا بودند - می‌گذارد. (۴۰) آنان همچنین یادآور شده‌اند: سبب آن مصایب، نافرمانی تیراندازان بود که مراکز خود را خالی کردند و تازه بعد از خالی کردن نیز، از در معصیت، پشت به قتال نمودند و خلاصه کلام اینکه، سبب آن نافرمانی و سرپیچی از دستور رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، که فرمانده این جنگ بود و این نافرمانی باعث فشل و تنازعشان در امر، و در آخر سبب شکستشان گردید و این خود سستی است طبیعی و عادی. (۴۱)

آیه ۱۰۸ سوره «انعام» نیز در بیان دیگری، ضرر ناشی از عملکرد ناآگاهانه و رفتار نسنجیده افراد را به خود آنها نسبت داده و خود زیان‌دیدگان را مسئول بزه‌دیدگی خویش برشمرده است: ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ...﴾؛ و معبودانی را که کافران به جای خدا می‌پرستند، دشنام ندهید، که آنان هم از روی دشمنی و نادانی خدا را دشنام خواهند داد.

در توضیح مفاد این آیه می‌توان گفت: افراد گاه برای دفاع از خود و اثبات حقایقتشان در برابر دشمنان، ناآگاهانه و از روی بی‌ملاحظگی رفتارهای نادرستی از خود بروز می‌دهند که در برخی موارد، باعث متضرر شدن خود آنان می‌شود. یکی از این رفتارها، همان دشنام گفتن به کفار است که از نگاه قرآن می‌تواند مستقیماً به توهین و بی‌حرمتی آنان به مقدسات مسلمانان بینجامد؛ زیرا این غریزه انسانی است که از حریم مقدسات خود دفاع کند و با کسانی که به حریم مقدساتش تجاوز کنند به مقابله برخیزد و چه بسا شدت خشم، او را به ناسزا گفتن به مقدسات دشنام‌دهندگان وادارد. (۴۲) در اینجا سبب آن که قرآن کریم، زیان‌های ناشی از این‌گونه اعمال را به خود زیان‌دیدگان نسبت داده و آنان را مسئول بزه‌دیدگی خویش شمرده است. برخی مفسران در این زمینه توجه داده‌اند: «ناسزاگویی» عامل بروز دشمنی و کینه و ناسزا شنیدن است... گاهی انسان در گناه دیگران شریک می‌شود؛ آنجا که مقدمات گناه دیگران را فراهم کند. (۴۳)

برخی دیگر برآنند که آیه شریفه، ناسزاگویی به دیگران را نوعی عامل و زمینه‌ساز گناه آنان می‌داند و با این تعبیر، فرد را مسبب و مسئول واکنش انجام‌شده در برابر آن ناسزا به شمار می‌آورد.

در این آیه بدین نکته اشاره شده است که برای هیچ کس جایز نیست کاری را انجام دهد یا حرفی را بزند که

زمینه‌ساز گناه دیگری شود. (۴۴)

از امام علی و امام صادق علیهما السلام نقل شده‌اند، قرار گرفتن در معرض بدگمانی جامعه و تبعات اجتماعی ناشی از آن - که از جمله آنها می‌تواند از دست دادن منزلت و حیثیت اجتماعی باشد - را یکی از زیان‌های ناشی از این‌گونه رفتارها به شمار آورده و خود فرد را در ازای این زیان‌دیدگی، مسئول و قابل سرزنش دانسته‌اند:

- «مَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التُّهْمَةِ فَلَا يُلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنَّ»؛ (۴۶) کسی که خود را در معرض بدنامی و جایگاه‌تهمت قرار می‌دهد، نباید کسی را که به او گمان‌بدمی برد، ملامت کند. - «مَنْ دَخَلَ مَوْضِعاً مِنْ مَوَاضِعِ التُّهْمَةِ فَأَتَتْهُمْ فَلَا يُلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ»؛ (۴۷) هر که به جایی تهمت‌خیز در آید و متهم گردد، کسی جز خود را سرزنش نکند.

۳. شیوه زندگی

شیوه زندگی یکی از عناصری است که تحلیل‌های کلان بزه‌دیدگی، آن را دارای نقش مؤثری در پیوند دادن آماج‌های بزه و بزه‌کاران بالقوه و زمینه‌سازی وقوع بزه و بزه‌دیدگی می‌دانند. این امر مسلم و شایعی است که شمار قابل توجهی از اشخاص برای گذران زندگی، چه بسا ناگزیر، محیط و ساختار اجتماعی و شیوه زندگی خاصی را برمی‌گزینند که موجبات بزه‌دیدگی آنان را فراهم می‌آورد یا احتمال آن را افزایش می‌دهد.

در فرهنگ قرآنی، «مستضعفان عملی» (۴۸) کسانی‌اند که محیط یا شیوه زندگی خاصی را برگزیده‌اند که مانع عمل به باورها و پای‌بندی به ارزش‌ها و هنجارهای الهی است و چه بسا آنان را به زیر پا نهادن این هنجارها وامی‌دارد. قرآن کریم، این امر را خسروانی تردیدناپذیر و زیان‌دیدن انسان در حیات این‌جهانی و آن‌جهانی‌اش می‌داند. اما در این خسروان و زیان‌دیدگی - که بی‌تردید، معلول فشارهای تحمل‌ناپذیر جامعه و ساختارهای

۲-۳-۳. رفتارهای پرخطر: برخی از رفتارها انسان را در موقعیتی قرار می‌دهد که احتمال بزه‌دیدگی را بالا می‌برد. از جمله این رفتارها می‌توان به رفتارهای پرخطر اشاره کرد. در ادامه، با توجه منابع اسلامی به دو نمونه از این رفتارها اشاره می‌شود:

الف. سبک شمردن امر سلطان: از جمله رفتارهای پرخطر که احتمال بزه‌دیدگی را بالا می‌برد، بی‌اعتنایی به قدرت‌های حاکم و جبار است. برخی روایات با عنایت به حاکمیت قدرت‌های مستبد ستمگر در جامعه آن روز، به ضرورت رعایت ملاحظات خاص در برخورد با قشر حاکم، توجه داده‌اند و خطرات رعایت نکردن این ملاحظات را برشمرده‌اند. از جمله آنها حدیث زیر در کتاب شریف من لا یحضره الفقیه است که در آن، امام صادق علیه السلام به نقل از پدران بزرگوارشان علیهم السلام وصیتی را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام روایت می‌فرماید که فراز زیر از آن، به پرخطر بودن این رفتار و نقش مؤثر آن در بزه‌دیدگی افراد اشاره دارد: «تَمَانِيَةٌ إِنْ أُهِنُوا فَلَا يُلُومُوا إِلَّا أَنْفُسَهُمْ... وَ الْمُسْتَخَفُّ بِالسُّلْطَانِ»؛ (۴۵) هشت دسته‌اند که اگر بدانان اهانتی شود، باید خود را سرزنش کنند... آن که پادشاه را سبک بشمارد...

سبک شمردن امر سلطان منجر به گلاویز شدن فرد با حاکمیت قدرتمند آن جامعه است که به طور طبیعی خطرات جانی و مالی را برای شخص به همراه می‌آورد و او را مورد تهدید قرار می‌دهد.

ب. در آمدن در موضع تهمت: حضور در برخی مکان‌ها و قرار گرفتن در شرایطی خاص و نقش آنها در افزایش احتمال زیان‌دیدگی از جمله رفتارهای پرخطری است که در احادیث موجود در منابع اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال، دو روایت زیر، که به ترتیب

آشکاری از فعالیت‌های روزمره افراد است، اشاره دارد و به نقش این‌گونه فعالیت‌ها در زمینه‌سازی تهدیدها و زیان‌هایی - مانند فریب خوردن از همنشینان - توجه داده است: «إِيَّاكَ وَ... وَ الْمَجْلِسِ الْمَطْنُونِ بِهِ السُّوءُ فَإِنَّ قَرِينَ السُّوءِ يَغُرُّ جَلِيسَهُ»؛^(۴۹) بپرهیز از... مجلسی که بدان گمان بد می‌رود؛ که همنشین بد، همنشین خود را می‌فریبد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش با بیان نظریه بزه‌دیده‌شناختی، اصول و مقولات اصلی این نظریه برجسته، و با برگردان مفاهیم کلیدی بزه‌دیده‌شناختی به چند مقوله اصلی تقسیم شدند و با تحلیل محتوای آیات قرآن کریم و روایات موجود در منابع حدیثی شیعه، در پاسخ به سؤال اصلی تحقیق که «آیا دین مبین اسلام در آموزه‌های خود به محورهای نظریات بزه‌دیده‌شناسی توجه داشته است یا نه»، این نتیجه حاصل شده است که به رغم نوپا بودن نظریات بزه‌دیدگی در مطالعات جرم‌شناسی، آموزه‌های اسلامی در تحلیل رفتارهای کجروانه و علل شکل‌گیری این‌گونه رفتارها و بزه‌دیدگی‌های ناشی از آنها، محورهای خرد، میان برد و کلان مطرح شده در نظریه‌های بزه‌دیده‌شناختی را به شکلی معنادار مورد توجه قرار داده‌اند و این رویکرد را به عنوان یکی از راه کارهای مهم در حوزه تبیین کجروی به کار گرفته‌اند.

اجتماعی غیرالهی و کارگزاران و حاکمان آنهاست - خود این افراد را مقصر و مسئول می‌شمرد و آنان را «ستم‌کننده به خود» می‌نامد. تحلیل قرآن درباره این دسته از مستضعفان، از یک سو، بر نقش و مسئولیت این افراد در زیانی که این اجتماعات و حاکمان آن بر آنان وارد می‌آورند، تأکید دارد و از سوی دیگر، گونه‌ای خاص از بزه‌دیدگی را با اشاره به نقش متغیر کلان «شیوه زندگی» توضیح می‌دهد. این تحلیل را از جمله می‌توان در آیه زیر دید: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا» (نساء: ۹۷)؛ همانا آنان که فرشتگان جانشان را می‌گیرند، در حالی که بر خویشان ستم کرده‌اند، از آنان می‌پرسند: در چه وضعی بودید؟ گویند: در زمین، مستضعف بودیم [و به ناچار در جبهه کافران قرار داشتیم]. فرشتگان [در پاسخ] گویند: مگر زمین خداوند گسترده نبود تا در آن هجرت کنید؟ آنان، جایگاهشان دوزخ است و بد سرانجامی است.

۴. فعالیت‌های روزمره

ارتباط اجتماعی افراد و رفت‌وآمد آنها در محیط‌های مختلف، یکی دیگر از متغیرهای کلان مؤثر در میزان بزه‌دیدگی است که در بخش «چارچوب نظری» با تعبیر «فعالیت‌های روزمره» به آن اشاره شد. گزاره‌های دینی نیز نسبت به این متغیر بی‌التفات نبوده و برخی از گونه‌های این فعالیت‌های روزمره را معرفی و آثار منفی آن بر شخص را گوشزد می‌نمایند. نمونه این گزاره‌ها، فراز زیر از وصیت امیرمؤمنان علی علیه السلام به فرزند گرامی‌شان امام حسن مجتبی علیه السلام است. این فراز به مضمون همنشینی با بدان و رفت‌وآمد در مجالس مورد سوءظن که مصداق

- ۲۵- محمدین علی صدوق، *من لایحضره الفقیه*، ج ۴، ص ۳۷۸، ح ۵۷۸۶؛ محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۷۴، ص ۱۶۸، ش ۴.
- ۲۶- محمدین علی صدوق، همان، ج ۱۳، ص ۹.
- ۲۷- همان، ج ۶، ص ۳۱۵.
- ۲۸- این حدیث در منابع اهل سنت، نقل شده است (مانند *سنن الترمذی*، ج ۴، ص ۴۶۱؛ ج ۵، ص ۲۷۳؛ *سنن ابن ماجه*، ج ۲، ص ۸۹۰) اما فقهای شیعه نیز به مفاد آن استدلال کرده‌اند. از جمله: حسن بن یوسف مطهر حلّی، *التنقیح الرائع لمختصر الشرائع*، ج ۴، ص ۴۱۰، نیز ر.ک. بهاء‌الدین خرمشاهی و مسعود انصاری، *پیام پیامبر*، ص ۱۰۴، ش ۵.
- ۲۹- فضل بن حسن طبرسی، *مجمع البیان*، ج ۸، ص ۵۵۸؛ همو، *مجمع البیان*، ترجمه مترجمان، ج ۲۰، ص ۱۰۷؛ سلطان محمد گنابادی، *بیان العادة فی مقامات العبادة*، ترجمه رضا خانی و حشمت‌الله ریاضی، ج ۱۱، ص ۴۵۰؛ احمدعلی بابایی *پرگزیده تفسیر نمونه*، ج ۳، ص ۶۰۸.
- ۳۰- ناصر مکارم شیرازی، همان، ج ۱۷، ص ۲۹۰-۲۹۱.
- ۳۱- فضل بن حسن طبرسی، *جوامع الجامع*، ترجمه مترجمان، ج ۳، ص ۱۹۸.
- ۳۲- فضل بن حسن طبرسی، *مجمع البیان*، ج ۱۲، ص ۱۹۰.
- ۳۳- جمعی از مترجمان، *ترجمه تفسیر طبری*، ج ۱۲، ص ۱۷۹-۱۷۸.
- ۳۴- سید محمدحسین حسینی همدانی، *انوار درخشان*، ج ۹، ص ۵۱.
- ۳۵- برای مطالعه بیشتر، ر.ک: راغب اصفهانی، *المفردات فی غریب القرآن*، ص ۶۰۸.
- ۳۶- محمدتقی فلسفی، *الحديث*، ج ۱، ص ۱۴۳؛ عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، *غررالحکم و دررالکلم*، شرح آقاجمال خوانساری، ج ۲، ص ۴۷، ش ۱۷۸۷.
- ۳۷- عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، همان، ج ۵، ص ۲۳۶، ش ۸۱۳۹.
- ۳۸- همان.
- ۳۹- برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ر.ک: همان، ج ۵، ص ۱۹۵، ش ۷۹۴۸ و ص ۲۰۱، ش ۷۹۷۷؛ همان، ج ۳، ص ۶۹، ش ۳۸۵۵.
- ۴۰- فضل بن حسن طبرسی، همان، ج ۴، ص ۳۳۰.
- ۴۱- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ج ۴، ص ۹۲.
- ۴۲- همان، ج ۷، ص ۴۳۴.
- پی نوشت‌ها**
- ۱- ژرژ لپز - ژینا فیلیزولا، *بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی*، ترجمه روح‌الدین کرد علیوند و احمد محمدی، ص ۱۰.
- ۲- مهدی کی‌نیا، «بزه‌دیده‌شناسی»، *حقوق دانشکده علوم قضایی*، ش ۱، ص ۱۲.
- ۳- ر.ک: موریس گسن، *اصول جرم‌شناسی*، ترجمه میر روح‌الله صدیق.
- ۴- ژرژ لپز و ژینا فیلیزولا، همان، ص ۳۶.
- ۵- همان، ص ۴۹.
- ۶- موریس گسن، همان، ص ۱۸۱.
- ۷- ریمون بودون و فرانسیس بوریگا، *جرم*، ص ۳۶، به نقل از: علی سلیمی و محمد داوری، *جامعه‌شناسی کجروی*، ص ۲۴۹.
- ۸- همان.
- ۹- موریس گسن، همان، ص ۱۸۱.
- ۱۰- همان، ص ۱۸۴.
- ۱۱- به نقل از: علی سلیمی و محمد داوری، همان، ص ۳۴۴.
- ۱۲- موریس گسن، همان، ص ۱۷۷.
- ۱۳- علی سلیمی و محمد داوری، همان، ص ۳۳۵.
- ۱۴- آنتونی گیدنز، *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، ص ۳۲۷.
- ۱۵- همان، ص ۳۴۱-۳۴۶، به نقل از: علی سلیمی و محمد داوری، همان، ص ۲۵۹.
- ۱۶- ویانو امیلیانو؛ «بزه‌دیده‌شناسی»، ترجمه نسرتین مهرا، *تحقیقات حقوقی*، ش ۱۹-۲۰، ص ۴۳۲-۴۵۷.
- ۱۷- موریس گسن، همان، ص ۱۸۱.
- ۱۸- همان، ص ۳۴۱-۳۴۶، به نقل از: علی سلیمی و محمد داوری، همان، ص ۲۵۸.
- ۱۹- ویانو امیلیانو، همان، ص ۴۴۷.
- ۲۰- موریس گسن، همان، ص ۱۸۷.
- ۲۱- به نقل از: علی سلیمی و محمد داوری، همان، ص ۲۶۰.
- ۲۲- ر.ک: سید محمدحسین طباطبائی، *تفسیر المیزان*، ج ۱۱، ص ۱۴۲، ۱۶۵-۱۶۶ و ۲۵۷.
- ۲۳- فضل بن حسن طبرسی، *جوامع الجامع*، ترجمه مترجمان، ج ۱، ص ۶۸.
- ۲۴- ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، *تفسیر نمونه*، ج ۱۰، ص ۳۲۶-۳۲۸.

- ۴۳- محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۳، ص ۳۲۹.
- ۴۴- فضل بن حسن طبرسی، همان، ج ۴، ص ۵۳۷.
- ۴۵- محمد بن علی صدوق، همان، ج ۴، ص ۳۵۵، ح ۵۷۶۲.
- ۴۶- نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، حکمت ۱۵۹.
- ۴۷- محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۳۶، ح ۱۵۵۷۳.
- ۴۸- برای مطالعه بیشتر، رک: نهج البلاغه، ص ۲۰۶، ص ۱۸۹، باب الهجرة.
- ۴۹- محمد بن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۲، ص ۳۶، ص ۱۵۵۷۳.
- غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
- طباطبائی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، ترجمه جمعی از مترجمان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ترجمه جمعی از مترجمان، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲.
- فلسفی، محمدتقی، الحدیث (روایات تربیتی)، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.
- قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
- کی‌نیا، مهدی، «بزه‌دیده‌شناسی»، حقوق دانشکده علوم قضایی، ش ۱، بهار ۱۳۷۰، ص ۳۲-۴۷.
- گسن، موریس، اصول جرم‌شناسی، ترجمه میرروح‌الله صدیق، تهران، دادگستر، ۱۳۸۵.
- گنابادی، سلطان‌محمد، بیان‌العاده فی مقامات العبادة، ترجمه رضا خانی و حشمت‌الله ریاضی، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۲.
- گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نی، ۱۳۸۶.
- لپز، ژرژ و ژینا فیلیزولا، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه روح‌الدین کرد علیوند و احمد محمدی، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۷۹.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- منابع
- نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ق.
- امیلیانو، ویانو، «بزه‌دیدگی و بزه‌دیده‌شناسی»، ترجمه نسرین مهرا، تحقیقات حقوقی، ش ۱۹-۲۰، بهار و پاییز ۱۳۷۶، ص ۴۵۷-۴۳۲.
- بسایبی، احمدعلی، برگزیده تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، شرح آقاجمال‌الدین خوانساری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
- جمعی از مترجمان، ترجمه تفسیر طبری، تهران، توس، ۱۳۵۶.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، آل‌البیت، ۱۴۰۹ق.
- حسینی همدانی، سید محمدحسین، انوار درخشان، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ق.
- حلّی، ابن ادریس، المنتخب من تفسیر التبیان، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ق.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین و مسعود انصاری، پیام پیامبر، تهران، منفرد، ۱۳۷۶.
- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
- سلیمی، علی و محمد داوری، جامعه‌شناسی کجروی، قم، پژوهشکده حوره و دانشگاه، ۱۳۸۰.
- صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ترجمه علی‌اکبر